

نگار

زمستان ۱۳۷۶

تبریز

مدرسه محمدیه تبریز و تدریس مشروطه / رحیم رئیس نیا

پروژه ای برای احیای تبریز / محمد حریری اکبری

تبریز دموکرات / کاوه بیات

اقبال مکتب هنری تبریز / سیدعلیرضا میرعلی نقی

ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن در دو سده اخیر

/ کامران صفا منش، بهروز منادی زاده، یعقوب دستچیان

گنجینه فنون / سید فرید قاسمی

مقالات :

• چپ اسلامی و آزمون مجدد قدرت / مراد ثقفی

• اسلام گرایان و مسئله خشونت در مصر / حمید احمدی

• نقدی بر مقاله خدایرستان سوسیالیست / حسین راضی

کتابخانه :

• نیم گویی های رفیق ارشیر،

• موعظه های اخلاقی

و تحدید قدرت سیاسی،

• تحولات جدید

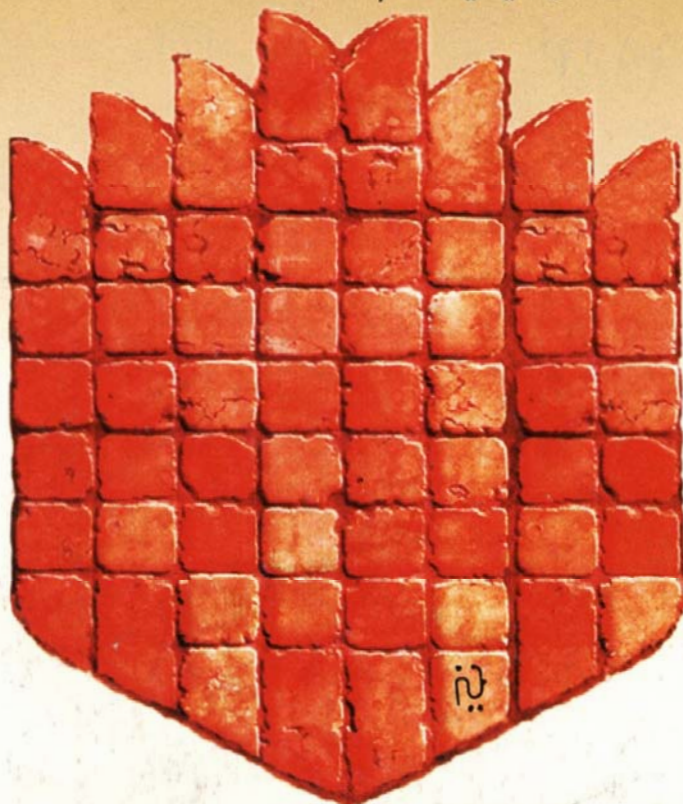
در آرشیو های شوروی

روزنامه :

• ندایی از سولدوز،

پیک خزر، خلیج فارس

در هزاره جدید





کامران صفامنش
یعقوب رشتچیان
بهروز منادی زاده

سیر تحول تاریخی بلوک شهر «پاساژ» تبریز

بلوک شهری واقع در حد فاصل خیابان های امام خمینی (ره) ، شریعتی شمالی (شهناز سابق) ، سرگرد محقق (امین) و فلسطین (ملل متحد سابق) ، که به دلیل وجود گذر تاریخی «پاساژ» (کوچه پستخانه قدیم) به همین نام خوانده می شود ، بخش شمالی محله کهنسال «ارمنستان» تبریز است که در پی احداث خیابان های یاد شده در فاصله سال های ۳۸-۱۳۰۰ شمسی ، از بافت شهری پیرامون خود جدا شده و به شکل یک بلوک شهری درآمد است .

بلوک پاساژ ، چه در سال های پیش از دهه ۱۳۰۰ ، که با بافت پیرامون خود کلیتی یکپارچه داشت ؛ و چه در سال های بعد که به شکل یک بلوک شهری مجزا درآمد ، همواره از موقعیت ویژه ای برخوردار بوده است . سکونت جماعت آرامنه و آسوری و حضور چشمگیر اتباع خارجی به شکل های گوناگون در این بخش ، به این قسمت از بافت شهری حال و هوای ویژه ای می بخشید که آن را از دیگر بخش های شهر متمایز می ساخت .

وجود کلیساهای متعدد ارتدکس (متعلق به جماعت آرامنه و آسوری) ، پروتستان (وابسته به هیئت پروتستان آمریکایی) و کاتولیک (متعلق به میسیون لازاریست های فرانسوی) و مدارس تأسیس شده به سبک جدید (مدرسه آمریکائی ها ، مدرسه فرانسوی) ، استقرار سه کنسولگری از چهار کنسولگری کشورهای خارجی دایر در تبریز ، و شمار چشمگیر فروشگاه های عرضه کننده کالاها و فرآورده های وارداتی ، همراه با رفت و آمد روزانه اتباع خارجی ، چنان حالتی به بلوک پاساژ داده بود که آن را «پاریس

کوچک، می‌نامیدند. اما، در پی دگرگونی شرایط ناشی از وقوع جنگ جهانی دوم و بازگشت اتباع خارجی به کشورهای خود، اشغال آذربایجان و تبریز توسط ارتش شوروی و وقایع مربوط به فرقه دموکرات آذربایجان، و مهم‌تر از همه مهاجرت‌های چشمگیر اقشار تحصیل کرده و متجددین تبریز به تهران اعتبار بلوک پاساژ نیز کاهش یافت و این ناحیه از سال‌های میانی دهه ۱۳۲۰ به این سو، در یک سیر قهقراپی به صورت یکی از کم‌اعتبارترین بخش‌های شهر درآمد؛ چنانکه امروز به عنوان محله‌ای بد سابقه، کم و بیش متروک و مطرود افتاده است.

پیشینه تاریخی ناحیه

الف- ساختار شهری

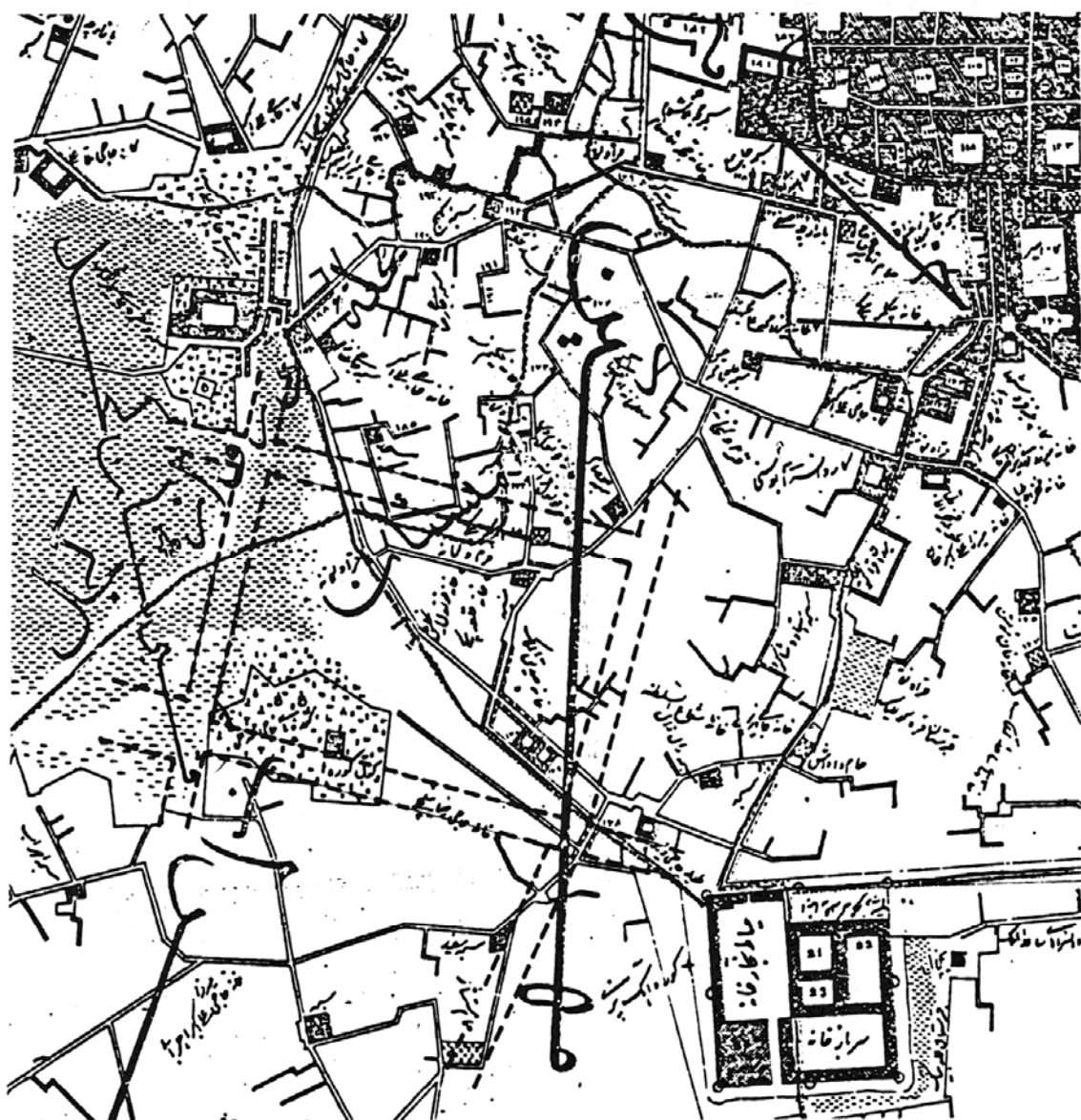
بلوک پاساژ تا پیش از سال‌های ۱۳۰۰ و آغاز اقدامات شهرسازی جدید، بخشی از «ارمنستان» در قسمت شمالی محله مهادمهین (نام کهن آن مهادمیهین بوده است، و در گفتار مردم میارمیار گفته می‌شود) به شمار می‌رفت. «ارمنستان» تنها بخش محله مهادمهین بود که در درون باروی شهر قرار داشت. قسمت عمده محله در بیرون بارو گسترده شده بود و ارتباط این دو بخش محله، از طریق دروازه مهادمهین تأمین می‌شد. گذرهای اصلی بخش جنوبی محله مهادمهین یکی شده و به شکل بازارچه مهادمهین از دروازه می‌گذشت. این گذر در شمال دروازه، به گذر شرقی-غربی دیگری (کوچه میارمیار امروزی) می‌رسید و در امتداد آن، رو به شرق و غرب دروازه، دو شاخه می‌شد. شاخه شرقی، خود از طریق دو گذر میارمیار بالایی (عین الدوله) و پایینی (سردار) به گذر شمالی-جنوبی مهمی که ارگ علیشاه را به ورودی بازار وصل می‌کرد می‌رسید. شاخه غربی، به موازات بارو و به فاصله کمی از دروازه، با کوچه پستخانه قدیم (پاساژ) تلاقی می‌کرد. این تقاطع، به دلیل اهمیتش، در راستای «پاساژ» و در بخش شرقی تقاطع، بصورت بازارچه در آمده بود. امتداد بازارچه، در این تقاطع به دو مسیر اصلی و فرعی تقسیم می‌شد. مسیر فرعی که در واقع ادامه گذر موازی بارو بود، به نام کوچه نعلچیگران و همچنان به موازات بارو به دروازه گجیل می‌رسید.

مسیر اصلی، همان گذر معروف به «پاساژ» است که در راستای متمایل به شمال غربی، به بخش غربی گذری می‌رسید که پس از سال‌های ۱۳۰۰، خیابان تربیت بر روی آن احداث شد. اهمیت «پاساژ» و دلیل اصلی شمرده شدن مسیر آن، این است که کوچه «پاساژ» در سال‌های پیش از ۱۳۰۰، یکی از دو گذر ارتباطی اصلی دروازه مهادمهین به بازار و مرکز شهر بوده است.

با ورود به محدوده درون بارو از طریق دروازه مهادمهین، دسترسی به مرکز شهر و بازار، از دو طریق تأمین می‌شد: از طریق بخش شرقی کوچه میارمیار و گذر حدفاصل ارگ علیشاه و بازار، که در سال‌های پس از ۱۳۰۰، خیابان فردوسی بر روی آن احداث شد، و دیگر از مسیر بخش غربی کوچه

میارمیار و کوچه «پاساژ». کوچه «پاساژ» از طریق بخش غربی گذر پیش از خیابان تربیت، از دو طریق به بازار دسترسی می‌یافت: مسیر نخست از طریق کوچه «انجمن» به بازار صفی می‌رسید و مسیر دوم از طریق اتصال گذر زیر خیابان تربیت به گذر زیر خیابان فردوسی و حرکت به طرف ورودی جنوبی بازار. کوچه «نعلچیگران» که به دلیل قرار داشتن در حد فاصل دو دروازه اصلی شهر، محل استقرار کارگاه‌های ساخت و نصب نعل چارپایان بود و از همین رو به نام «نالچیلار» یا همان نعلچیگران شناخته می‌شد، لبه جنوب غربی و غربی محله «ارمنستان» به شمار می‌رفت. به فاصله عمق یک قطعه ملکی از این کوچه، بارو قرار داشت و زمین‌های بیرون بارو در سمت غرب تماماً زیر پوشش گورستان گجیل و زمین‌های باز همجوار آن بود.

«پاساژ» همچون ستون فقراتی بود که «ارمنستان» در دو سوی آن شکل گرفته بود. بافت پیرامون این محور مرکزی، از طریق چند گذر خود را به این ستون فقرات مرتبط می‌ساخت. مهم‌ترین این گذرها، دو گذری است که در قسمت غرب پاساژ قرار دارند و بعدها کوچه زرگر باشی و کوچه آرامیان نامیده شدند. چنانچه طول گذر «پاساژ» را از نقطه جنوبی آن در محل تقاطع با کوچه نعلچیگران تا انتهای



موقعیت بلوک پاساژ بر روی نقشه تاریخی تبریز

شمالی آن، که به خیابان تربیت می‌رسد، به سه قسمت کم و بیش برابر تقسیم کنیم، کوچه آرامیان در نقطه شمالی و کوچه زرگرباشی در نقطه جنوبی این تقسیم، به «پاساژ» می‌پیوندد. کوچه آرامیان با راستای متمایل به شمال غربی، «پاساژ» را از طریق کوچه طرلان به میدان انگج وصل می‌کرد. کوچه زرگرباشی نیز در راستای شرقی-غربی، به کوچه نعلچیگران می‌پیوست.

گذر با اهمیت دیگر در «ارمنستان»، کوچه معروف به «کنسولگری» است که با راستای شمالی-جنوبی، از ابتدای کوچه زرگرباشی منشعب شده و کوچه آرامیان به فاصله کمی بالاتر از میدان طرلان به آن می‌پیوست. گذر یاد شده پس از میدان طرلان، با همین نام به بازارچه انگج می‌رسید. این بازارچه از سمت شرق به میدان دیک‌باشی و از آنجا به بازار وصل می‌شد. سمت غرب بازارچه نیز به میدان انگج و از طریق کوچه «دروازه» به دروازه گجیل می‌پیوست. واژه «انگج» که در منابع قدیم، همخوان با تلفظ بومی آن «انگژ»، «انگش» و نیز «انگشت» آمده، در زبان و گویش تبریزی به معنای پنخساب یا نقطه تقسیم و گرداندن آب از جویی به جوی دیگر است. با توجه به این معنا، گمان می‌رود که میدان انگج در گذشته‌های دور پنخساب اصلی بخش غربی محدوده مرکزی شهر بود که رفته رفته به یک مرکز محله با اهمیت تبدیل شده است. این میدان، به عنوان یک فضای شهری مهم، در تقاطع گذرهایی واقع شده است که از سه جهت شمال غربی، جنوب غربی و جنوب با سه دروازه شهر و از شمال شرقی و جنوب شرقی با مجموعه بازار ارتباط داشتند.

پس از تخریب کامل باروی شهر در دهه آخر سده دوازده هجری قمری، مسیری که بارو بر روی آن قرار داشت رفته رفته به یک گذر ارتباطی تبدیل شد. بخشی از بارو که در شرق دروازه مهادمهین بود و در محدوده امروزی بلوک «پاساژ» قرار می‌گرفت، به شکل کوچه‌ای درآمد که بخش شرقی آن (حد فاصل دروازه و «پاساژ») به همان نام مهادمهین (میارمیار) خوانده می‌شد و امتداد آن در غرب تقاطع پاساژ به کوچه «استپان خان» معروف بود. نیمه شرقی این کوچه، دقیقاً بر مسیر بارو منطبق بود. اما نیمه غربی آن، به جای انطباق بر بارو و حرکت در راستای متمایل به شمال غربی، در امتداد راستای شرقی-غربی نیمه اول کوچه، در خط مستقیم به طرف غرب احداث شد.

بخشی از این گذر که مهادمهین نام دارد، قدیمی‌ترین بخش آن است و پیشینه تاریخی بخش غربی آن (کوچه استپان خان) در حرکت به غرب کمتر می‌شود، به طوری که ربع غربی آن، در سال‌های آغازین سده چهاردهم هجری شمسی و پس از تبدیل شدن گورستان گجیل به «باغ گلستان» و تفکیک زمین‌های باقیمانده پیرامون آن و شکل‌گیری قطعه‌های ملکی جدید احداث شده است.

این کوچه، نام عکاس نامدار دوره انقلاب مشروطیت، «بارون استپانیان» را بر خود دارد. استپانیان با نام کامل «آسیان استپانیانس»، از نخستین عکاسان تبریز بود و بسیاری از عکسهای مربوط به رویدادهای دوران مشروطیت و پس از آن، کار اوست. در دوره استبداد صغیر، همه روزه به سنگرها رفت و عکس برمی‌داشت. از آنجا که همه را «بالام جان» صدا می‌کرد، خود او به این نام معروف

شده بود. براساس آگهی مندرج در شماره ۱۱۹ روزنامه انجمن تبریز، عکاسخانه او در جوار مسجد «صمصام خان» قرار داشته و از مجاهدین مشروطه خواه به نصف قیمت عکس بر می داشته است.^۱

ب- فضاها و عناصر شهری

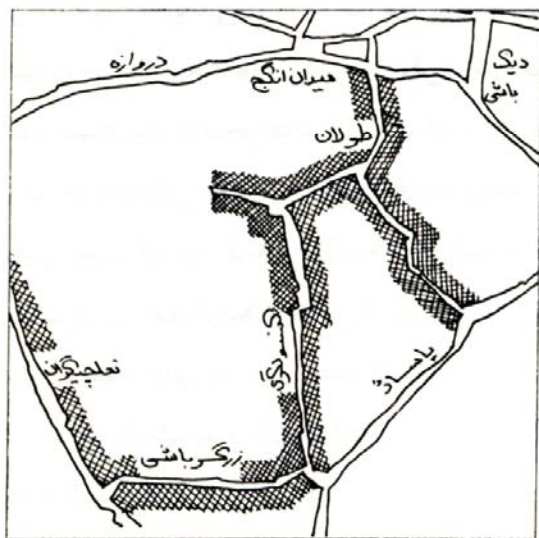
«ارمنستان» به دلیل سکونت اقلیت ارمنه و آسوری در آن، سیمایی متفاوت از دیگر محله های تبریز داشت. در این چارچوب، فضاها و عناصر شهری موجود در این محله، افزون بر نمونه های موجود در محله های دیگر، انواع خاصی را نیز در بر می گرفت که در محله های دیگر دیده نمی شد. از سوی دیگر، سیمای شهری متفاوت و سکونت اقلیت مذهبی، این بخش را به صورت محلی مطلوب برای استقرار اتباع و سازمان های وابسته به کشورهای دیگر در آورده بود.

چنانکه آخرین زلزله ویرانگر تبریز به سال ۱۱۹۳ ق/ ۱۷۸۰ م سال های پس از آن را، مبدأ تاریخ بازسازی شهر و شکل گیری نهایی بافت هسته مرکزی شهر تبریز بشماریم، فضاها و عناصر شهری مهم واقع در «ارمنستان» را برحسب قدمت آنها می توان در قالب دو دوره پیش از انقلاب مشروطیت و پس از آن مورد توجه قرار داد.

مسجد صمصام خان واقع در ضلع جنوبی تقاطع کوچه های «پاساژ» و آرامیان، و مسجد «قلعه بیگی» در ضلع جنوبی محل برخورد «پاساژ» و کوچه زرگرباشی بی تردید با سابقه ترین عناصر شهری



کروکی شماره ۱- محور تاریخی پاساژ به عنوان یکی از در گذر ارتباطی دروازه مهین و مجموعه بازار تبریز



کروکی شماره ۲- گذرهای اصلی بخش شمالی محله

این محله به شمار می‌روند. موقعیت این دو مسجد را بر روی نقشه تاریخی «دارالسلطنه تبریز» که در سال ۱۲۹۷ ق / ۱۸۸۰ م ترسیم شده، به خوبی می‌توان دید.

فضاهای مذهبی اقلیتهای دینی، گروه دیگر عناصر شهری با سابقه موجود در این بخش است. قدیمی‌ترین این فضاها، کلیسای مریم مقدس (ع) مربوط به آرامنه‌گریگوری است که در شمالی‌ترین نقطه «ارمنستان»، در ضلع جنوبی میدان دیک باشی قرار گرفته است و از بخش جنوبی، به کوچه آرامیان دسترسی دارد. این کلیسا که قدیمی‌ترین و بزرگترین کلیسای تبریز است، در فاصله سال‌های ۱۱۹۶ تا ۱۱۹۹ ق / ۱۷۸۲ تا ۱۷۸۵ م ساخته شده است.

بخش دیگری از عناصر شهری موجود «ارمنستان» برآمده از حضور اتباع کشورهای دیگر و نمایندگی‌های سیاسی شماری از دولت‌هاست. نادر میرزا در «تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز»، به وجود کنسولگریهای چهار کشور انگلیس، روسیه، عثمانی و فرانسه اشاره می‌کند. بر روی نقشه «دارالسلطنه تبریز» نیز موقعیت این کنسولگریها مشخص شده است. از این میان، کنسولگری انگلیس پرسابقه‌ترین نمایندگی سیاسی یک دولت خارجی در تبریز بود که در محدوده امروزی بلوک «پاساژ» در کوچه زرگریباشی قرار داشت و آغاز فعالیت آن به سال ۱۲۵۲-۳ ق / ۱۸۳۷ م بر می‌گردد. کنسولگری روسیه نیز، که کمی پس از این تاریخ فعالیت خود را آغاز کرد، در شمال بلوک امروزی «پاساژ» در کوچه «کنسولگری» قرار داشت. کنسولگری فرانسه، در آغاز تأسیس، در همین کوچه قرار گرفته بود و کوچه یاد شده به دلیل وجود دو کنسولگری فوق، به این نام معروف شد.

در ربيع آخر سده سیزدهم هجری قمری، نمایندگی‌های گوناگون آمریکایی نیز در ایران حضور یافتند. مذهب پروتستان از همین طریق در حوالی سال‌های ۱۲۸۰ ق، نخست در میان مسیحیان ارومیه و سپس در میان مسیحیان تبریز پا گرفت و چند سالی پیش از انقلاب مشروطیت، کلیسای پروتستان (انجیلی) در کوچه میارمیار (در محل امروزی هتل و سینما آسیا) ساخته شد که تا اوائل دهه ۱۳۳۰ شمسی پابرجا بود.

سه دهه پایانی دوره قاجاریه، دوره اصلی شکل‌گیری کالبدی و اوج رونق عملکردی فضای شهری «پاساژ» به شمار می‌رود. اصلی‌ترین ویژگی این دوره، که انقلاب مشروطیت در میانه آن روی داد، فضای باز آزادیخواهانه‌ای است که در پی نفوذ اندیشه‌های مترقی اجتماعی از فراسوی مرزها، در برابر خودکامگی قاجاری شکل گرفت. پیامد آشکار این فضای باز، شکل‌گیری عملکردهای شهری نوینی است که پیش‌تر، امکان تحقق نداشت. حضور اتباع کشورهای دیگر عامل بسیار موثری در استقرار این عملکردها و شکل‌گیری کالبدی فضاهاى شهری در برگیرنده آنها بود و در بسیاری از موارد، نمونه‌های نخستین توسط آنان بنیاد گذارده شد.

یکی از شاخص‌ترین عناصر شهری ساخته شده در این دوره مجموعه کلیسا و مدرسه وابسته به کاتولیکهای لازاری فرانسوی است. این مجموعه، در سال ۱۳۲۸ ق / ۱۹۱۰ م توسط یک فرد متمول

فرانسوی به نام اوژن بوره ساخته شده است (به نقل از کشیش مسنول کلیسا در حال حاضر). جالب توجه است که فلاندن نیز در حدود هفتاد و دو سال پیش از این تاریخ به ملاقات با شخصی به همین نام اشاره کرده و در این باره چنین نوشته است: «در تبریز چند نفر فرانسوی یافتیم که معروفترین آنها شخصی بود موسوم به مسیواوژن بوره که یک سال بود در تبریز اقامت داشت. این شخص . . . زیاد مایل بود که خود، مؤسس اساس تربیت و مدنیت شود. بنابراین در غره ماه ژانویه هزار و هشتصد و سی و نه مسیحی مطابق هزار و دویست و پنجاه و پنج هجری (۱۲۵۵/ق/۱۸۳۹م) در تبریز احداث مدرسه نمود و مقصود او این بود که در این مدرسه بیش از همه چیز تعلیم زبان فرانسه دایر شود و در ضمن خواست از کشیشان لازریست که در اسلامبول عبادتگاه داشتند به ایران بیاورد و به ترویج مذهب عیسوی بدارد. . . .» (نقل از مرآت البلدان، جلد ۱، صص ۵۹۹-۶۰۰). با توجه به فاصله زمانی احداث مدرسه و کلیسا به وسیله این دو فرانسوی هم نام، و موثق بودن منبع هر دو خبر، گمان قوی آن است که این دو پدر و پسر بوده باشند.

ساختمان کلیسا، که هنوز هم در این مکان برپاست، مستطیل شکل است و در ابعاد ده متر در بیست متر طراحی شده است. بنا آجری است و کف تالار اصلی پنج پله بالاتر از کف حیاط است. در بالای در ورودی تالار کلیسا، یک نقش برجسته گچ بری شده دیده می شود که حضرت مریم (ع) را در میان ده فرشته مقدس نشان می دهد. این اثر در سال ۱۹۲۳م، به وسیله فرانس کوردون ساخته شده است و برجسته ترین نقطه آن بیست سانتیمتر از زمینه اثر بلندتر است.

در حدود همین زمان، مجموعه ای از فعالیت های گوناگون شهری، در دو سوی گذر «پاساژ» جای گرفت. برای استقرار این فعالیت ها، با استفاده از یک الگوی معماری ویژه، فضای کالبدی مناسب این عملکردها ساخته شد و به این ترتیب، نخستین نمونه فضاهای شهری جدید، در تبریز و در قالب «پاساژ» شکل گرفت. ساختمان دو طبقه در برگیرنده واحدهای تجاری در همکف و واحدهای دفتری-خدماتی در طبقه بالا، الگوی معماری یگانه ای بود که در سرتاسر محور به کار گرفته شد. حتی در ساختمان مدرسه فرانسوی ها نیز از همین الگو استفاده شد و طبقه همکف ساختمان مدرسه محل استقرار فروشگاه هایی شد که پیش از این نمونه ای از آن در شهرهای کشور وجود نداشت. «پاساژ» تحت تأثیر گذر (Passage) های شهری اروپایی که در هسته های تاریخی شهرهای اروپا به فراوانی دیده می شود، یا دست کم تحت تأثیر ترجمان شرقی شده این معماری به گونه ای که در شهرهایی مانند باکو، تفلیس یا استانبول وجود داشت، شکل گرفت. به واسطه استقرار کلیسای کاتولیک و مدرسه فرانسوی و رفت و آمد روزانه اتباع فرانسه و تکرار واژه های فرنگی در فضای محله بود که نام «پاساژ» بر روی کوچه پستخانه قدیم تثبیت شد.

«پاساژ» که بخش اصلی آن به عنوان یک فضای شهری جدید، از تقاطع کوچه پستخانه با کوچه میارمیار غربی و «استپان خان» شروع می شد و تا حد جنوبی ساختمان «پستخانه» امتداد می یافت،

عملکردهای شهری متعددی را در واحدهای تجاری-دفتری دو سوی خود جای داده بود. مهم ترین این عملکردها در ضلع شرقی، مطب «دکترسانته» و داروخانه «دواچی» بود. در ضلع غربی نیز، در میان فروشگاه‌های طبقه همکف مدرسه فرانسوی، به فروشگاه «پچلا» می توان اشاره کرد که بعدها شعبه ای از آن در تهران نیز راه اندازی شد.

محور تجاری-خدماتی «پاساژ» در بخش جنوبی آن، در راستای شرقی-غربی نیز گسترش یافت. به ویژه در ضلع شرقی، عملکردهای عمومی در امتداد سه کوچه عمود بر «پاساژ» نیز شکل گرفت. در بخش شرقی کوچه نعلچیگران انجمن خیریه کلیسای کاتولیک در شمال کوچه ساخته شده بود و در جنوب کوچه واحدهای تجاری-خدماتی همجوار داروخانه «دواچی» به کلیسای پروتستان و ضلع شرقی میارمیار شمالی-جنوبی می رسید. کوچه میارمیار فرعی نیز، در ضلع شمالی با دو کاربری یاد شده شکل گرفته و در ضلع جنوبی آن، دو ساختمان، طبق الگوی پیش گفته ساخته شده بود. بر جنوبی این دو قطعه، کوچه میارمیار شرقی-غربی را نیز تعریف می کند.

سال های انقلاب مشروطیت و دو دهه پس از آن، پر جنب و جوش ترین دوره تاریخ «پاساژ» به شمار می رود. وجود کنسولگری های روس و انگلیس در این نقطه و نقش کلیدی آنها در وقایع مشروطیت، سبب تبدیل مسجد صمصام خان به یکی از کانونهای اصلی مشروطه خواهان شد و «پاساژ» که «انجمن ایالتی» را به مسجد و دو کنسولگری یاد شده مرتبط می ساخت، به صورت مهمترین محور حرکت مشروطه خواهان درآمد.

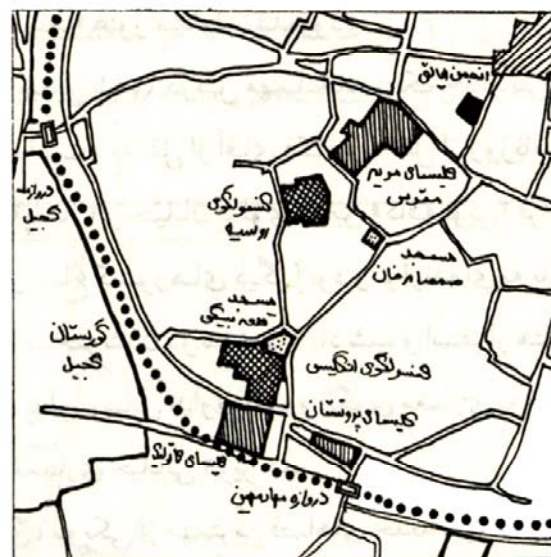
تبدیل مسجد صمصام خان به کانون مشروطه خواهان و اهمیت گذر «پاساژ» در گرماگرم انقلاب مشروطیت معلول موقعیت ویژه آنها بوده است. چنانچه «انجمن ایالتی» و کنسولگری انگلیس را با یک خط فرضی به هم وصل کنیم، مسجد صمصام خان درست در نقطه میانی این خط و کنسولگری روسیه هم، با فاصله ای اندک از مسجد، در سمت غرب آن قرار می گیرد.

در شهریور ماه سال ۱۲۸۵ ش/ ۱۹۰۶ م، مردم به تنگ آمده از ستمکاری های محمد علی میرزا ولیعهد، به انگیزه عدالت طلبی و آزادیخواهی و متأثر از خیزش مشروطه خواهی مردم تهران، رو به کنسولگری انگلیس آورده و در آنجا بست نشستند. در روزهای بعد انبوهی مردم به اندازه ای رسید که مسجد صمصام خان را در آن نزدیکی فرش کردند و جایگاه دیگری برای گردآمدن مردم پدید آوردند. انتخاب این مسجد برای گردآمدن مردم، انگیزه دیگری نیز داشت. به دلیل نزدیکی این مسجد به کنسولگری روسیه، ندای آزادیخواهی مردم، بسیار زود به گوش حامیان محمد علی میرزا می رسید.

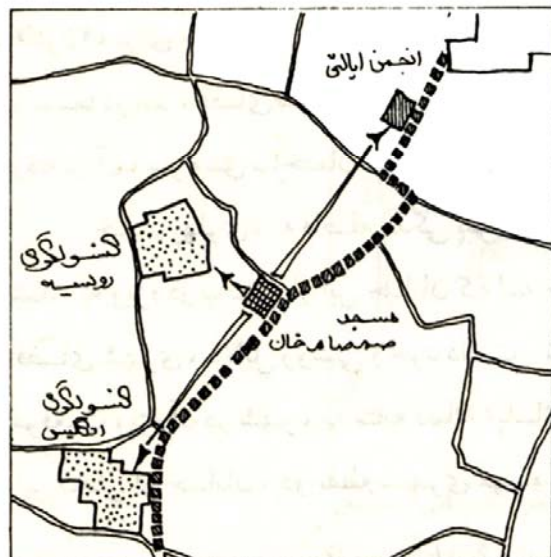
این وضعیت تا زمان صدور فرمان مشروطیت همچنان ادامه داشت. پس از اعلام مشروطیت ضرورت تدارک کانونی برای هدایت جنبش مطرح شد و از همین رو، میرزا مهدی خان خانه های خود را که در آغاز «ارمنستان» و نزدیک بازار بود. به انجمن ایالتی واگذاشت و از همان زمان بود که به

«میرزا مهدی خان انجمن» شناخته می‌شد. اما تشکیل انجمن ایالتی به معنای بی‌اهمیت شدن مسجد صمصام خان نبود. در دوره فعالیت انجمن ایالتی و نیز در تمامی مدتی که استبداد صغیر برقرار بود، هرآنگاه که ضروری می‌نمود مسجد صمصام خان کانون گردهم‌آئی و جنبش مردم بود. «پاساژ» و دو کوچه کنسولگری و آرامیان تنها راه‌های ارتباطی این چهار کانون اصلی جنبش مشروطیت (انجمن ایالتی، مسجد صمصام خان و کنسولگری روس و انگلیس) به شمار می‌رفت.

در دوران استبداد صغیر نیز «پاساژ» بستر اصلی بسیاری از رویدادها بود. اما دوره کوتاهی پس از آن، آرامش نسبی بر تبریز حکمفرما شد و در همین دوره زودگذر بود که یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین مراکز آموزشی تبریز به نام مدرسه محمدیه در سال ۱۲۹۵ شمسی، در زمین‌های خالی جنوب «پاساژ» (که در خارج از محدوده بارو قرار داشت) ساخته شد. این مدرسه در سال ۱۳۱۳ شمسی، به مناسبت جشن‌های هزاره بزرگداشت فردوسی، به دبیرستان فردوسی تغییر نام داد. در خارج از محور «پاساژ» نیز عناصر شهری متعددی که پیش از دوره پهلوی ساخته شده است، وجود دارد. از آن جمله می‌توان به هتل پالاس، و ساختمانهای واقع در جبهه شمالی هتل پارک و هتل جهان‌نما اشاره کرد. دو قطعه نخست کاربری مسکونی داشتند و هتل جهان‌نما، که در جبهه شمالی آن زمان الگوی معماری متفاوت با سایر ساختمانها استفاده شده و از نظر معماری بسیار با ارزش است، توسط روس‌ها و به عنوان بیمارستان ساخته شد.



کروکی شماره ۲- فضاهای و عناصر شهری مهم بخش شمالی محله ارمنستان



کروکی شماره ۲- موقعیت مکانی انجمن ایالتی و مسجد صمصام خان نسبت به کنسولگریهای روس و انگلیس در دوره انقلاب مشروطیت

تحولات کالبدی و عملکردی ناحیه پاساژ

با توجه به این واقعیت که تحولات عملکردی و کالبدی بلوک شهری پاساژ، دو سویه هم پیوند یک فرآیند واحد هستند. این هر دو در پیوند با هم و در بستر تحولات کلی بافت شهری این بخش از محله «ارمنستان» بررسی شده است.

همانگونه که پیش از این اشاره شد، خیابان کشی‌های آغاز سده چهارده شمسی نخستین گام در راه دگرگونی کلی سیمای شهری تبریز از بافت سنتی به کالبد امروزی آن بوده است. با احداث خیابان پهلوی (امام خمینی (ره) امروزی)، که از زمین‌های خالی بیرون بارو می‌گذشت، لبه‌های شمالی و جنوبی خیابان بستر مناسبی را برای ساخت و سازهای شهری جدید فراهم آورد و در فاصله سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۲، با استفاده از یک الگوی بدنه‌سازی ویژه، ساختمان‌های متعددی در دو لبه خیابان ساخته شد.

یکی از مهم‌ترین تحولات کالبدی در این بخش، اتصال «پاساژ» به خیابان تازه احداث شده بود. ساختمان دو طبقه «گراند هتل» در شرق و ساختمان سه طبقه «سینما وطن» در غرب این محور اتصالی ساخته شد. ساختمان سینما وطن که امروزه نیز «سینما انقلاب» به جای آن فعالیت می‌کند، اگر چه اساساً برای نمایش فیلم ساخته نشده بود، اما نخستین مکان نمایش فیلم در شهر تبریز به شمار می‌رود. پیش از ساخته شدن سینما وطن تنها جایی که در تبریز فیلم در آن نمایش داده می‌شد، مدرسه فرانسوی‌ها در محوطه کلیسای کاتولیک بود. این نمایش‌ها که محدود و منحصر به دانش‌آموزان مدرسه بود، در آن زمان «ایلوژاسیون» نامیده می‌شد و واژه‌های «فیلم» و «سینما» هنوز متداول نشده بود.

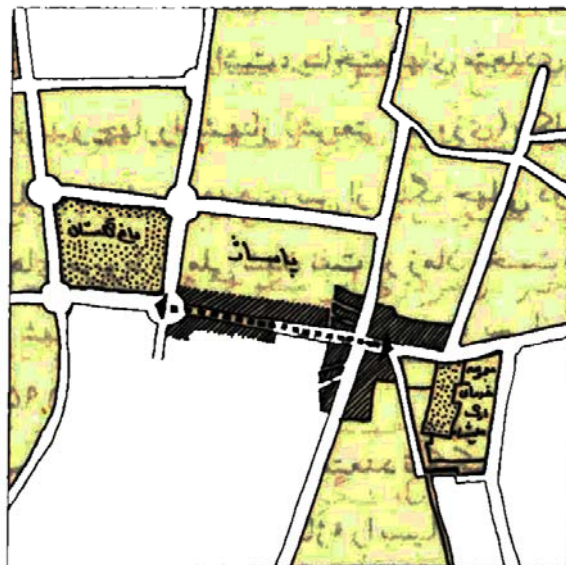
«گراند هتل» نیز که امروزه به مسافرخانه «سهند» تبدیل شده، دومین مهمانخانه سبک جدید تبریز است (نخستین مهمانخانه تبریز به نام «نظافت» بوده است، به نقل از آقای ذکاء، به نقل از روزنامه ایران). در طبقه همکف «گراند هتل» در نبش تقاطع «پاساژ» و خیابان پهلوی سابق «کافه نوین» قرار داشت که پاتوق افراد متجدد (عمدتاً اقلیت مذهبی و اتباع کشورهای دیگر) بود و نوازنده‌ای به نام «لئون»، برای حاضران در کافه، ویولون می‌نواخت. با ساخته شدن دو ساختمان یاد شده و استقرار هتل و سینما در آنها، فضای شهری «پاساژ» در راستای خیابان پهلوی سابق تداوم یافت و الگوی معماری به کار رفته در آن، سر مشق ساختمان‌سازی و بدنه‌سازی ویژه معماری خیابانی تبریز شد.

خیابان پهلوی، به فاصله اندکی پس از شکل‌گیری، به یکی از مهمترین فضاهاى جدید شهر تبدیل شد. به ویژه در بخشی از این خیابان که لبه جنوبی بلوک «پاساژ» به شمار می‌رود، برای اهمیت این فضای شهری، دلایل روشنی وجود داشت. نخست آنکه این محور، به دلیل همجواری با «پاساژ» و موقعیت ویژه آن در شهر، به مثابه دنباله «پاساژ» بخشی از اعتبار آن را به خود جذب کرد. دیگر آنکه، این بخش از خیابان، دو نقطه شهری مهم و دو مرکز تفریحی جدید شهر، «باغ ملی» در محوطه

ارگ علیشاه در شرق و «باغ گلستان» در غرب را به هم می پیوست. وجود این دو فضا در دو سوی محور خیابان، باعث شد که این بخش از خیابان، رفته رفته به معتبرترین محل زندگی شهری امروزی (گذران اوقات فراغت، خرید، گردش و...) تبدیل شود. از سوی دیگر، ارزش و اهمیت این محور، باعث جذب و استقرار عملکردهایی در آن شد که به نوبه خود مایه افزایش اعتبار این محور شهری گردید. در همین دوره، کنسولگری فرانسه که در بخش شمالی «ارمنستان» مستقر بود، به این خیابان نقل مکان کرد. در این سال ها در بر شمالی خیابان هتل پارك و مجموعه تجاری و مسافرخانه جهان نما، مسافرخانه لوکس کارون و در بر جنوبی نیز مسافرخانه سپید و هتل رامسر ساخته شد. سینما «مولن روژ» به عنوان نخستین سالن سینما در تبریز، در همین دوره در جبهه پشت مسافرخانه لوکس کارون ساخته شده بود که بعدها در اثر آتش سوزی ویران شد.

در بخش داخلی بلوك، اگرچه دگرگونی کالبدی و عملکردی کمتر از لبه جنوبی، اما چشمگیر بود. یکی از نخستین مدارس طراز نوین تبریز در سال ۱۳۰۱ شمسی با نام «همت» و به وسیله رسول عطایی در ضلع غربی محل تقاطع کوچه های زرگرباشی و کنسولگری تأسیس شد. این مدرسه که از سال ۱۳۰۴ شمسی، «سعدی» نامیده می شود، دو سال بعد تبدیل به دبیرستان شد. دبیرستان سعدی که امروزه نیز فعال است، در دهه ۱۳۴۰ شمسی بازسازی شده است. از دیگر کاربری های مهم در کوچه پست خانه اداره راه آهن در خانه زرگرباشی بوده است.

از عناصر معماری بازمانده از دوره پهلوی اول در بخش داخلی بلوك، به تعدادی از واحدهای مسکونی واقع در غرب و شمال غرب کلیسای کاتولیک (در کوچه نعلچیگران) می توان اشاره کرد که ساکنان آن از اقلیت مذهبی ارمنه بوده اند و شماری از آنها هم اکنون نیز در این واحدها زندگی می کنند.



کرکی شماره ۵- شکل گیری محور خدماتی-تفریحی خیابان پهلوی در حد فاصل مجموعه ارگ علیشاه و باغ گلستان

سال‌های پایانی دوره پهلوی اول، در آستانه در گرفتن آتش جنگ جهانی دوم در ایران، سرآغاز تنزل کیفی بلوک پاساژ به شمار می‌رود. در پی رویدادهای مربوط به جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن، که تا نیمه دهه ۱۳۲۰ به درازا کشید، اتباع خارجی رفته رفته تبریز را ترك کردند و بسیاری از واحدهای تجاری و خدماتی به صورت غیرفعال درآمد. با تخفیف نابسامانیها در نیمه دوم دهه مزبور، دور دیگر فعالیت‌های عمرانی آغاز شد. احداث خیابان‌های شهناز شمالی (شریعی)، امین (سرگرد محقی) و ملل متحد (فلسطین) در سال‌های میانی دهه ۱۳۳۰ موجب جدائی کامل بلوک پاساژ از بخش‌های دیگر «ارمنستان» شد. اما به رغم این رونق دوباره، پاساژ به چند دلیل، اعتبار از دست رفته گذشته را باز نیافت. از یک سو، به دلیل عدم بازگشت اتباع خارجی، فعالیت‌های پیشین «پاساژ» راه اندازی نشد. از سوی دیگر، در این دوره رونق جدید، به دلیل اهمیت روزافزون خیابان سواره رو، سرمایه‌گذارها و فعالیت‌ها در لبه خیابان‌ها متمرکز شد و بخش‌های درونی بلوک، از تحولات جدید بهره‌ای نبرد. به این ترتیب، به موازات ایجاد ساختمان‌های جدید و استقرار عملکردهای شهری در لبه خیابان‌های پیرامونی، بخش‌های داخلی بلوک، در هر دو زمینه کالبدی و عملکردی، دچار رکود شد. از ساختمان‌ها و عملکردهای شهری مهم این دوره، به هتل و سینما متروپل سابق می‌توان اشاره کرد که در آگهی بازگشایی آن اوایل سال ۱۳۳۰ آمده است: «مهمانخانه متروپل تبریز... که با بهترین مهمانخانه‌های اروپا برابری می‌نماید و در ایران اولین مهمانخانه آبرومندی است که با طرز جالب توجهی مبله شده و دارای همه‌گونه وسایل استراحت و حمام می‌باشد افتتاح شد»^۲.

دگرگونی عملکردی و کالبدی مهم دیگر این دوره تبدیل پستخانه قدیم به هنرستان فنی است. محدوده ثبتی پستخانه که از چند سال پیش بلا استفاده بود، در سال ۱۳۳۴ شمسی در اختیار اداره آموزش و پرورش قرار گرفت و هنرستان فنی پسرانه در آن ساخته شد. به دلیل ارزش و اهمیتی که لبه‌های شرقی و جنوبی بلوک پاساژ در شهر داشت، ساختمانهای متعددی در خیابان‌های شهناز شمالی سابق و پهلوی سابق ساخته شد و چهارراه شهناز (شریعی امروزی) شکل گرفت. (کروکی شماره ۵) مهمترین تحول عملکردی بلوک پاساژ در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، برچیده شدن کنسولگری انگلیس بود. در پی رویدادهای مربوط به ملی شدن نفت در زمان نخست‌وزیری مرحوم دکتر مصدق، کنسولگری‌های انگلیس در شهرهای مختلف ایران از جمله تبریز، پس از یکصد و پانزده سال فعالیت، در دی ماه ۱۳۳۰ (ژانویه ۱۹۵۲) رسماً تعطیل شد.^۳

در سال‌های بعد، محل کنسولگری به قطعات متعدد تفکیک شد و ساخت و ساز در آنها صورت گرفت. اما برچیده شدن کنسولگری، اعتبار «پاساژ» را بسیار کاهش داد. در طول دو دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰، بخش‌های داخلی بلوک «پاساژ» به بهای رونق روزافزون لبه‌های شرقی و جنوبی بلوک، به راه

انحطاط افتاد. در این سیر انحطاطی، جنبه سکونت در محله تضعیف شد و سویه عملکردی بخش های داخلی بیش از آنکه تغییر ماهیت دهد، دچار افت کیفیت گردید، چندانکه در دهه ۱۳۵۰ش به عنوان میعادگاه خوشگذران ها شهرت یافته بود و دیگر از آن به خوشنامی یاد نمی شد.

این خصوصیت، که در واقع شکل منحط و مسخ شده سویه عملکردی اولیه پاساژ به عنوان فضای شهری «تماشایی» و ویژه گذران اوقات فراغت و تفرج بود، از یک سو به واسطه نزدیکی به محله بدنام شهر و از سوی دیگر به دلیل استقرار پایانه مسافربری شهر تبریز در اوایل دهه ۱۳۵۰، در بخش شمال غربی بلوک در سال های پیش از انقلاب تشدید می شد.



یادداشت ها

- ۱- روزنامه انجمن تبریز، جلد اول کتابخانه ملی ایران و استانداری آذربایجان شرقی، ۱۳۷۴.
 - ۲- روزنامه اطلاعات شماره ۷۵۲۷ مورخ ۱۳۳۰/۳/۵.
 - ۳- روزنامه اطلاعات شماره ۷۷۱۷ مورخ ۱۳۳۰/۱۰/۲۵.
- برای کتابشناسی عمومی مورد استفاده این مقاله، رجوع کنید به منابع مقاله «ساختار کالبدی شهر تبریز و سیر تحولات آن در دهه اخیر»، در همین شماره فصلنامه صص ۳۳ - ۵۳.

در این مجموعه، دوره ای از تاریخ و تحولات تبریز مورد توجه قرار گرفته است که به عنوان فتح بابی بر آشنایی ایرانیان با جهانی نو و متفاوت، سرآغاز یک دوره جدید تاریخی است و از این رو حائز اهمیتی است به مراتب بیش از یک موضوع «ولایتی». در عین حال، الزام این بازبینی تاریخی نباید مانع از آن شود که مسائل روز از اهمیت ثانوی برخوردار گردند و درك الزامات روز موكول به فهم کاستی های گذشته باشد. هرچه باشد، علیرغم تمامی افت و خیزهای تبریز، این شهر همچنان ستون بنای ایران است. در واقع با توجه به تحولات جدیدی که در سال های اخیر در هر دوی این سطوح-هم مناسبات منطقه ای و جهانی و هم تحولات داخلی- آغاز شده است به همچنین نظر به آن قدرت و توانایی نهفته در تبریز که بارها و در پی هر دوره از دشواری ها، با درخششی مجدد خود را از نو نشان داده است هیچ دور نیست که انتظار داشته باشیم، تبریز بار دیگر موقعیت شاخص و یگانه خود را بازیابد. با این حال بروز مجدد این قدرت و توانایی نه برآیند محتوم یک رشته تغییرات اقتصادی، که در درجه اول مستلزم شکل گیری عزم و خواستی است اجتماعی.